

بررسی تاثیر فرائض دینی در پیش بینی تعهد در زندگی زناشویی معلمان مدارس مهران

داود نوری زاد^۱، آرش مرادیان^۲

^۱ کارشناس ارشد علوم تربیتی، گرایش آموزش ابتدایی

^۲ کارشناس ارشد علوم تربیتی، گرایش مشاوره مدرسه

چکیده

هدف از تحقیق پیش رو، بررسی تاثیر فرائض دینی در پیش بینی تعهد در زندگی زناشویی معلمان مدارس مهران بود. تحقیق حاضر از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمامی معلمان متاهل شاغل در آموزش و پرورش شهرستان مهران بود و نمونه آن شامل ۳۱۰ نفر (۱۳۴ مرد و ۱۷۶ زن) بودند که به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. سپس جهت گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های دینداری و فرائض دینی گلاک و استارک و همچنین تعهد زناشویی آدامز و جونز استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی صورت گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان از این بود که فرائض دینی رابطه مثبت و معناداری با تعهد زناشویی دارد و پیش بین مهمی برای تعهد زناشویی می باشند، همچنین نتایج نشان داد سن، تعداد فرزندان، اختلاف سنی بین زوجین و مدت ازدواج همبستگی مثبت و معنادار با تعهد زناشویی دارند.

واژه‌های کلیدی: تعهد زناشویی، فرائض دینی، بعد اعتقادی، بعد عاطفی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

با توجه به عمده بحث هایی که تا کنون برای تعریف ازدواج سالم وجود داشته، باور بر این است که در واحدهای زناشویی قوی، عناصر ذیل موجود است: صمیمیت، تعهد، ارتباط عاطفی، مهارت های حل تعارض و معنویت. تعهد زناشویی بین همسران یک پیش بینی کننده مهم برای ازدواج های رضا یتم بخش و پایدار است (خانجانی و شکی، سلیمی، صفر بیگی و همکاران، ۱۳۹۳) یکی از کارهایی که خانواده سالم انجام می دهد، احساس تعهد در قبال دیگر اعضای خانواده است. در خانواده های متعهد اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می کنند، بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می کوشند (عسگری، پاشا و آذرکیش، ۱۳۹۰) تعهد زناشویی باعث حفظ و بقای ارتباط در زندگی زوجین می شود (شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸).

اما زوجینی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و رفتاری دوسو گرانه را تعقیب می کنند، در ازدواج و کار کردن با دیگران دچار مشکل خواهند شد و غالباً نتیجه این امر بی وفایی خواهد بود (شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸) با توجه به اهمیت تعهد در زندگی زناشویی در راستای حفظ سلامت و بهداشت روانی زوجین و در نتیجه جامعه، ضرورت اقداماتی برای بهبود روابط زناشویی و خانوادگی و به ویژه افزایش میزان تعهد زناشویی زوجین مطرح می گردد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

تعهد به عنوان یک تصمیم برای ادامه زندگی زناشویی محسوب می شود و عبارت است از ارتباط و وابستگی روانی به شریک زندگی (۱). آما تو معتقد است که تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائلند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (۲).

تعهد به رابطه را می توان به عنوان واسطه ای برای بخشش (۳)، تفاهم در تعیین محل زندگی (۴) و آمادگی برای فدا کردن خود برای شریک زندگی (۵) دانست. بنابراین، تعهد را عاملی اصلی برای حفظ رابطه زناشویی می دانند (۶). جانسون (۷) تعهد را به سه بخش مجزا تقسیم می نماید: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری. این سه قسمت تعهد مربوط به رضایت از رابطه می باشند. تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است که مبتنی بر جاذبه و رضایت زناشویی است. تعهد اخلاقی اشاره به تعهدی دارد که افراد احساس می کنند که باید در رابطه باقی بمانند. تعهد ساختاری شامل در دسترس بودن روابط جایگزین اجتماعی است.

تعهد به عنوان یک تصمیم برای ادامه زندگی زناشویی محسوب می شود و عبارت است از ارتباط و وابستگی روانی به شریک زندگی. آما تو معتقد است که تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل اند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند. تعهد به رابطه را می توان به عنوان واسطه ای برای بخشش، تفاهم در تعیین محل زندگی و آمادگی برای فدا کردن خود برای شریک زندگی دانست. بنابراین، تعهد را عاملی اصلی برای حفظ رابطه زناشویی میدانند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

برخی از نویسندگان بر این باورند که فرائض دینی پیش بینی برای تعهد در ازدواج می باشد (۸). به نظر می رسد فرائض دینی به عنوان یک عامل مهم و کلیدی در افزایش تعهد است. دین ترکیبی از باورها و شیوه های ترویج شده توسط نهادهای مذهبی است که رفتار، نگرش، ارزش ها و باورهای فرد را شکل می دهد (۹). اعتقادات معنوی به عنوان پیش بینی کننده رضایت از زندگی زناشویی و صمیمیت زوجین محسوب می شود (۱۴).

روحانی و معنوی پور در پژوهشی با عنوان رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، نشان دادند که بین دینداری با شادکامی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد و دینداری پیش بینی کننده مناسبی برای رضایت زناشویی و شادکامی محسوب می شود (۱۵). مصلحی و احمدی در پژوهش خود نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین را بررسی نمودند. تحلیل داده ها نشان داد که زوجین هر دو پایبند به مذهب، نسبت به زوجینی که فقط یکی از آن ها پایبند به مذهب بود، از رضامندی زناشویی بیشتری برخوردار بودند و آن ها نیز از زوجین هر دو ناپایبند به مذهب بیشتر از زندگی زناشویی خود رضایت داشتند (۱۶).

عبدالله پور و همکاران در مطالعه ای به بررسی رابطه بین دینداری با رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز پرداختند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که ابعاد نگرش مذهبی به صورت معناداری توان پیش‌بینی تغییرات رضایت زندگی را دارند (۱۷). ویلیام و همکاران در مطالعه خود با موضوع رابطه خود پنداره منفی با تعهد زناشویی دریافتند اشخاص با خود پنداره مثبت به همسرانی که بهتر از آن‌ها فکر می‌کردند، تعهد بیشتری داشتند؛ نسبت به همسرانی که ضعیف‌تر از آن‌ها فکر می‌کردند اما اشخاصی که دیدگاه‌های منفی نسبت به خود داشتند و به عبارتی خود پنداره منفی داشتند به همسرانی که ضعیف‌تر از آن‌ها فکر می‌کردند متعهدتر بودند (ویلیام و همکاران، ۱۹۹۲).

با توجه به اهمیت تعهد در زندگی زناشویی در راستای حفظ سلامت و بهداشت روانی زوجین و در نتیجه جامعه، ضرورت اقداماتی برای بهبود روابط زناشویی و خانوادگی و به ویژه افزایش میزان تعهد زناشویی زوجین مطرح می‌گردد. اما برای تحقق این امر ابتدا باید اطلاعات مناسبی درباره این سازه کسب نمود و عوامل تأثیر گذار بر آن را شناسایی نمود تا بتوان اقدامات مناسبی را برای ایجاد، حفظ و افزایش آن در زوج‌ها انجام داد. با توجه به این که دینداری یکی از عوامل مهم در رضایتمندی زناشویی به شمار می‌رود و رضایتمندی از زندگی زناشویی منجر به دوام ازدواج می‌گردد و باعث متعهد ماندن زوجین به زندگی زناشویی و خانواده می‌شود و از طرفی با عنایت به این که عدم تعهد زناشویی در ازدواج باعث شکل‌گیری روابط فرا زناشویی و خارج از ازدواج می‌شود و در نهایت باعث طلاق و جدایی خواهد بود. لذا تحقیق حاضر به بررسی تأثیر فرائض دینی در پیش‌بینی تعهد در زندگی زناشویی معلمان مدارس مهران پرداخته است.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمامی معلمان متاهل شاغل در آموزش و پرورش شهرستان مهران بود و نمونه آن شامل ۳۱۰ نفر (۱۳۴ مرد و ۱۷۶ زن) بودند که به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. سپس جهت گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های دینداری و فرائض دینی گلاک و استارک و همچنین تعهد زناشویی آدامز و جونز استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی صورت گرفت.

پرسشنامه دینداری گلاک و استارک: این پرسشنامه توسط گلاک و استارک برای سنجیدن نگرش‌ها و باورهای دینی و فرائض دینی ساخته شده است. برای استاندارد کردن در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا و بر روی پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا گردیده و با دین اسلام هم انطباق یافته است. پرسشنامه حاضر یک سنجش پنج بعدی است که شامل ابعاد پنج گانه اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری به سنجش دینداری می‌پردازد. پرسشنامه مورد استفاده ۴ بُعد از ابعاد فوق را بکار برده است و بُعد فکری دین به دلیل وسعت تبلیغات در ایران حذف شده است. پرسشنامه حاضر دارای ۲۶ گویه می‌باشد که در چهار بُعد اعتقادی (با ۷ گویه)، عاطفی (با ۶ گویه)، پیامدی (با ۶ گویه) و مناسکی (با ۷ گویه) جهت سنجش میزان دینداری به کار می‌رود. مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت می‌باشد که هر گویه پنج درجه ارزشی «کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف و کاملاً مخالف» را در بر می‌گیرد و ارزش‌های هر گویه بین ۴- تا ۰- متغیر می‌باشد. حاصل جمع عددی ارزش هر یک از گویه‌ها در کل نمره آزمودنی را نشان می‌دهد که بین ۱۰۴- تا ۰- نوسان دارد. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان آلفای کلی پرسشنامه ۰/۸۳ بوده است. این آزمون هم چنین به دلیل استاندارد بودن دارای پایایی بالایی است. مقدار آلفا برای متغیرهای بُعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بُعد پیامدی ۰/۷۲ و بعد مناسکی ۰/۸۳ می‌باشد (۲۴). در پژوهش حاضر نیز میزان آلفای کرونباخ برای بعد اعتقادی ۰/۸۷، بعد عاطفی ۰/۸۷، بعد پیامدی ۰/۶۹، بعد مناسکی ۰/۷۴ و برای کل آزمون ۰/۸۴ بدست آمد.

پرسشنامه تعهد زناشویی: این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) تهیه شده و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این ابعاد عبارتند از: تعهد شخصی: تعهد نسبت به همسر که مبتنی بر جذابیت همسر است. تعهد اخلاقی: تعهد نسبت به ازدواج که مبتنی بر تقدس و

حرمت رابطه زناشویی است. تعهد ساختاری: تعهد نسبت به همسر و ازدواج که مبتنی بر احساس اجبار و تداوم ازدواج یا ترس از پیامدهای طلاق است (۲۳).

هر سؤال آزمون دارای یک مقیاس پنج درجه‌ای کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است که به هر گزینه نمره ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. به گزینه کاملاً موافقم نمره ۵ و به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱ داده می‌شود. اکثر سؤالات پرسشنامه به شکل مستقیم نمره گذاری می‌شود و تنها سؤالات ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ به طور معکوس نمره گذاری می‌گردند. دامنه کلی نمرات افراد بین ۱ تا ۱۷۲ نمره است و نمره بالا در این آزمون، بالا بودن تعهد زوجین را نشان می‌دهد.

آدامز و جونز در شش پژوهش گوناگون به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسشنامه، آن را بر روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سؤال با نمره کل آزمون بالا و معنادار بود و به طور کلی ابعاد این پرسشنامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز میزان پایایی هر یک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آورده اند: تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶ (۲۳). در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۷۶، تعهد اخلاقی ۰/۸۶، تعهد ساختاری ۰/۷۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۶۷ به دست آمد.

۳. یافته های تحقیق

بر اساس جدول شماره ۱ که نشان می‌دهد که توزیع نمرات فرائض دینی و تعهد زناشویی در بین آزمودنی‌ها تقریباً طبیعی است و در نتایج آزمون آماری خلیلی ایجاد نمی‌نمایند.

جدول ۱: شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش (n = ۳۱۰)

متغیرها	آماره	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	چولگی
تعهد زناشویی	۱۴۸/۳۲	۱۸/۴۵	۱۰۲	۲۰۰	۰/۵۵۷	
فرائض دینی	۷۲/۹۸	۱۴/۹۴	۳۰	۱۰۲	-۰/۷۵۷	
اعتقادی	۲۳/۳۶	۶/۸۷	۴	۲۸	-۰/۹۴۷	
عاطفی	۲۱/۲۷	۵/۶	۴	۲۴	-۰/۹۷	
پیامدی	۱۷/۵۸	۵/۳۲	۰	۲۳	-۰/۴۲۲	
مناسکی	۱۹/۵۵	۷/۸۸	۱	۲۸	-۰/۵۴۹	
سن	۳۸/۹۸	۲۷/۶۶	۲۳	۵۹	-	
مدت ازدواج	۱۰/۶۸	۷/۸	۱	۴۰	-	
تعداد فرزندان	۲/۲۸	۲/۵۶	۰	۶	-	
تفاوت سنی	۵/۹۸	۴/۶	۰	۱۵	-	

جدول ۲: ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعهد زناشویی	تعهد شخصی	تعهد اخلاقی	تعهد ساختاری
فرائض دینی	۰/۵۴۸ **	۰/۴۴۵ **	۰/۵۴۵ **	۰/۴ **
اعتقادی	۰/۳۸۶ **	۰/۳۴ **	۰/۳۹۸ **	۰/۲۴۳ **
عاطفی	۰/۴۲۳ **	۰/۳۵۶ **	۰/۴۳۷ **	۰/۲۸۲ **
پیامدی	۰/۴۷۸ **	۰/۳۴۸ **	۰/۴۶۹ **	۰/۳۹۸ **
مناسکی	۰/۳۲۵ **	۰/۲۶۱ **	۰/۳۰۲ **	۰/۲۶۴ **
سن	۰/۲۹ **	۰/۱۶ *	۰/۲۱ **	۰/۳۴ **
مدت ازدواج	۰/۲۹۹ **	۰/۱۹ *	۰/۲۶ **	۰/۲۹ **
تعداد فرزندان	۰/۳۳ **	۰/۱۶ *	۰/۳ **	۰/۴ **
تفاوت سنی	۰/۱۱۱	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۱۵۹ *

P < ۰/۰۵ *

P < ۰/۰۱ **

فرضیه ۱: بین رعایت فرائض دینی، سن، مدت ازدواج، تفاوت سنی همسران و تعداد فرزندان با تعهد زناشویی رابطه وجود دارد. آزمون مورد استفاده در تحلیل این فرضیه برای بررسی رابطه تعداد فرزندان با تعهد زناشویی همبستگی اسپیرمن و برای ارتباط سایر متغیرها با تعهد زناشویی همبستگی پیرسون می باشد. نتایج این تحلیل ها در جدول شماره ۲ مشخص شده است. بر این اساس رعایت فرائض دینی و تمامی ابعاد آن با تعهد زناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند که بیانگر این مطلب است که هرچه مقدار این متغیرها بیشتر باشد میزان تعهد زناشویی نیز بالاتر است. بر اساس اطلاعات این جدول هرچه سن، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان بیشتر باشد احتمال افزایش تعهد زناشویی بین زوجین نیز بیشتر می شود اما تفاوت سنی بین زوجین ارتباط معناداری با تعهد زناشویی ندارد.

جدول ۳: نتایج و ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون خطی درباره عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی

متغیرها	R	R ^۲	F	Sig	B	Std.E	β	T
فرائض دینی	۰/۵۶۸	۰/۴۵۶	۶۹/۷۶	۰/۰۰۱	۱/۱۱	۰/۴۹	۰/۵۶۸	۸/۴۵
اعتقادی	۰/۳۹۰	۰/۲۶۸	۲۷/۵۴	۰/۰۰۱	۱/۳۴	۰/۳۴۵	۰/۵۸۶	۵/۶۷
عاطفی	۰/۴۴۹	۰/۱۹۰	۳۵/۶۷	۰/۰۰۱	۱/۸۹	۰/۳۳۴	۰/۴۸۳	۵/۸۹
پیامدی	۰/۴۳۸	۰/۲۴۶	۴۳/۴۹	۰/۰۰۱	۲/۴۵	۰/۳۳۱	۰/۴۸۹	۶/۷۳
مناسکی	۰/۳۵۹	۰/۱۵۸	۱۶/۳۹	۰/۰۰۱	۱/۵۶	۰/۲۷۸	۰/۴۵۵	۸۴/۹۰

فرضیه ۲: فرائض دینی تعهد زناشویی را پیش بینی می کند.

برای بررسی این فرضیه از رگرسیون خطی استفاده شده است، بدین صورت که برای هر یک از ابعاد دینداری تحلیل رگرسیون انجام گرفت و در نهایت تمامی نتایج به صورت یکپارچه در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. در این جدول R نشان دهنده میزان همبستگی بین متغیر پیش بین و متغیر ملاک می باشد و R^2 مقدار ضریب تعیین یا مقدار پیش بینی کنندگی تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) توسط متغیر مستقل (دینداری) است که باتوجه به مقدار F (۶۹/۷۶) معنادار می باشد ($P < 0/001$) و B نیز به ترتیب نشان دهنده ضرایب غیر استاندارد و استاندارد رگرسیون هستند که مشخص می کنند با تغییر یک واحد در هر یک از متغیرها چه مقدار متغیر ملاک (تعهد زناشویی) تغییر خواهد کرد. هم چنین با توجه به مقادیر آزمون T و سطح معناداری آن نیز معلوم می شود که اثرگذاری متغیر فرائض دینی و ابعاد آن در معادله رگرسیونی معنادار است.

۴. بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی تاثیر فرائض دینی در پیش بینی تعهد در زندگی زناشویی معلمان مدارس مهران انجام شد. یافته ها نشان داد که فرائض دینی دارای همبستگی مثبت و معنادار با تعهد زناشویی می باشد (جدول شماره ۲)، هم چنین فرائض دینی تغییرات تعهد زناشویی را تبیین می کند و تمامی ابعاد آن نیز به طور معناداری پیش بینی کننده ی تعهد زناشویی می باشند (جدول شماره ۳).

بنابراین فرضیه پژوهش مبنی براین که متغیرهای فرائض دینی و ابعاد آن می توانند تعهد زناشویی را پیش بینی نمایند، تایید می گردد. نتایج پژوهش حاضر با یافته های تحقیقات روحانی و معنوی پور (۱۵)، مصلحی و احمدی (۱۶)، لامبرت و دولاهیت (۱۸)، کورتیس و الیسون (۱۹)، براون و همکاران (۲۰)، ماهونی (۲۲)، توماس و کرن وال (۲۵)، گال (۲۶) و ژانگ و سانگ (۲۷) همسو و در تایید آن ها می باشد.

در تبیین نتایج بدست آمده می توان گفت ثابت شده است که تعهد سرمایه زناشویی با ارزشی است که حتی نسبت به عاطفه مثبت و روابط موثر در امر ازدواج مهم تر است. دین، ترویج دهنده تعهد، نه تنها برای یک فرد بلکه برای نهاد ازدواج است. فرائض دینی یک هدف مقدس برای انجام ازدواج فراهم می کند. دینداری باعث می شود زن و شوهر به تعهد در ازدواج به عنوان یک هدف مقدس نگاه کنند (۲۷). ارزش های دینی می تواند باعث شود زن و شوهر به دین به عنوان یک نقشه راه زناشویی فکر کنند که شامل خطوط راهنمایی برای روابط جنسی، نقشهای جنسیتی، و ایثار در ازدواج باشد (۱۲). تعهد زناشویی زمانی که زن و شوهر حس روشنی از آینده ی با هم بودن دارند، بیشتر است. ممکن است که دینداری در زوج، القای حس آینده ی با هم بودن را بدهد که به آنها انگیزه با هم ماندن را می دهد (۲۸).

اهمیت دین در زندگی خانوادگی بارز است. نقش دین به عنوان یک متغیر کنترل اجتماعی، معمول ترین روشی است که دین در آن مورد مطالعه قرار می گیرد. این تاکید در مطالعات مربوط به طلاق بارزتر است. دین عموماً مانعی قدرتمند در امر طلاق بوده است. ترک یک رابطه زناشویی در یک جامعه مذهبی به مراتب سخت تر است و این هم به دلیل محدودیت های واضح در مقابل پایان ازدواج و هم به دلیل حمایت برای در کنار هم ماندن است. در میان زوج های غیر مذهبی، به تبع موانع کمتری در اتمام زندگی زناشویی وجود دارد (دین یک مانع بزرگ در این زمینه است) و این گونه افراد برای ماندن، احساس محدودیت کمتری می کنند. اسچوم (۲۹) در بررسی خود به این نتیجه می رسد که جهت گیری مذهبی تأثیری عمیق بر بالا رفتن تعهد مذهبی، بخشیدن حس هدفمندی به خانواده و ارزش های مبتنی بر نیازها و رفاه دیگران دارد. هم چنین در مطالعه گال (۲۶) نشان داده شده است که اعتقاد به خدا می تواند به عنوان یک منبع پناهندگی که امنیت و راحتی و هم چنین کمک و راهنمایی را فراهم می کند، به افراد کمک کند. زوج ها بیان می دارند که وقتی خدا را در زندگی خود مد نظر قرار می دهند تعهد زناشویی قوی تری دارند. افراد دیندار تمایلی به رابطه خارج از رابطه زناشویی ندارند و دینداری آن ها باعث متعهد ماندن آن ها به رابطه با همسرشان می شود (۳۰).

در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت فرائض دینی یکی از مهم ترین عوامل موثر بر تعهد زوجین به رابطه و ثبات کانون خانواده است و رضایت زناشویی را به دنبال دارد. دینداری افراد باعث می شود تا آن ها به ازدواج و تشکیل خانواده بعنوان یک امر الهی و مقدس بنگرند و به تداوم ازدواج و حفظ کانون خانواده متعهد تر باشند. در صورتی که آموزش های دینی بتواند به نحو موثری در باورهای افراد جای گرفته و در آن نهادینه شود و سپس با واسطه هایی از قبیل انجام فرایض دینی و شرکت در مناسک دینی و اجتماعی تقویت گردد می تواند موجب تحکیم پیوندهای زناشویی و ارتقای تعهد زناشویی گردد.

منابع و مراجع

خانجانی وشکی، سحر؛ سلیمی، سمانه؛ صفربیگی، شهناز؛ صدیقی، اکرم و شاه سیاه، مرضیه (۱۳۹۳) تأثیر آموزش زوج درمانی شناختی رفتاری اسلام محور بر تعهد زناشویی. مجله تحقیقات نظام سلامت، سال ۱۰، شماره ۳
 شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک (۱۳۸۸) بررسی رابطه ی رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال ۱۱، شماره ۳
 عسگری، پرویز؛ پاشا، غلامرضا و آذرکیش، مریم (۱۳۹۰) مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه دار. مجله اندیشه و رفتار، دوره ۶، شماره ۲۱
 محمدی، بهناز؛ زهرا کار، کیانوش؛ داورنیا، رضا و شاکرمی، محمد (۱۳۹۳) بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. مجله دین و سلامت، دوره ۲، شماره ۱

Amoto PR. Studying marital interaction and commitment with survey data. J Marriage Fam. ۲۰۰۴; ۲۳: ۵۳-۷۰.

Arriaga X, Agnew C. Being committed: Affective, cognitive, and conative components of relationship commitment. Pers Soc Psychol Bull. ۲۰۰۱; ۲۷(۹): ۱۱۹۰.

Dolahite DC, Lambert NM. Forsaking all others: How religious involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples. Rev Relig Res. ۲۰۰۷; ۴۸(۳):۲۹۰-۳۰۷.

Higginbotham BJ, Ketring SA, Hibbert J, Wright DW, Guarino A. Relationship religiosity, adult attachment styles, and courtship violence experienced by females. J Fam Violence. ۲۰۰۷; ۲۲: ۵۵-۶۲.

Johnson MP, Caughlin JP, Huston TL. The tripartite nature of marital commitment: Personal, moral, and structural reasons to stay married. J Marriage Fam. ۱۹۹۹; ۶۱:۱۶۰-۱۷۷.

Mahoney A, Pargament KI, Tarakeshwar N, Swank AB. Religion in the home in the ۱۹۸۰s and ۹۰s: A meta-analytic review and conceptual analyses of links between religion, marriage and parenting. J Fam Psychol. ۲۰۰۱; ۱۵(۴): ۵۵۹-۵۹۶.

Lambert NM, Dollahite DC. The threefold cord: Marital commitment in religious couples. sciences. Isfahan University ۲۰۰۹. (Persian).

Serajzadeh SH, Pouyafar MR. Religion and social order: The examination of the association of religiosity with anomie feelings and deviance among a student sample. Journal of the Faculty of Literature and Humanities. ۲۰۰۹; ۱۶(۶۳):۷۱-۱۰۵. (Persian).

Thomas DL, Cornwall, M. Religion and family in the ۱۹۸۰s: Discovery and development. J Marriage Fam. ۱۹۹۰; ۵۲: ۹۸۳-۹۹۲.

Gall TL. Spirituality and coping with life stress among adult survivors of childhood sexual abuse. *Child Abuse Negl.* ۲۰۰۶; ۳۰: ۸۲۹-۸۴۴.

Zhang H, Tsang ,SKM. Relative income and marital happiness among Urban Chinese women: The moderating role of personal commitment. *J Happiness Stud.* ۲۰۱۳; ۱۴:۱۵۷۵-۱۵۸۴.

